

نقدی بر کتاب «جستارهایی درباره مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان»

سیدابوالفضل رضوی*

چکیده

نوشتار حاضر جایگاه تبیینی و تفسیری کتاب «جستارهایی درباره مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» را از دو منظر ایجابی و سلبی مورد نقد قرار می‌دهد. تکوین نسبی ساختار اقتصادی- اجتماعی شهرها در عهد سلجوقی و کارکردهای به سامان‌تری که در این عهد پیدا کرده‌اند از وجوه ممتاز تاریخ ایران این عهد است که کتاب مذکور را از اهمیت و قابلیت نقد برخوردار می‌سازد. در عهد سلجوقیان، زمینه‌های تثبیت و نهادینگی ساختار حیات شهری در ایران فراهم شد و میراث باستانی و اسلامی و دستاورد فرهنگی و تمدنی ایرانیان در قرون آغازین اسلامی در هم آمیخت و ساختار اقتصادی - اجتماعی قابل اعتنائی به خود گرفت. مولف کتاب با در نظر داشتن این مهم، سیر تحول شهر و شهرنشینی در تاریخ ایران، به سراغ مناسبات شهری این عصر رفته است و با تمرکز بر اقتصاد شهری و کارکردهای معیشتی شهر در دوران میانه، مناسبات اقتصادی شهر عهد سلجوقی را با دیگر نظام‌های تولیدی این عهد بررسی و تحلیل کرده است.

کلیدواژه‌ها: شهر، شهرنشینی، سلجوقیان، اقتصاد شهری، مناسبات شهری

۱. مقدمه

چرا شهر و چرا شهر عهد سلجوقی؟ همچنان که مولف کتاب مورد نظر، بحث خود را از آن آغاز کرده است: «تمدن‌ها از سه عنصر اصلی: انسان، شهر و جهان بینی فراهم

*دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه خوارزمی، Razavi_edu@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۵، تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۲۲

آمده اند. پدیده شهر در هر جامعه تبلوری از سنن زیست، شیوه های معیشت، چگونگی تولید، رفتار و فعالیت های استثنایی به شمار می‌رود.» از این روی می‌توان شهر در تاریخ هر جامعه ای را مصداق جدی فرهنگ و تمدن آن جامعه و از جمله بنیان های اصلی تشکیل دهنده ساختار حیات جمعی آن قلمداد کرد. شهر دوره سلجوقی و تبیین مناسبات شهری این عهد با تمرکز بر ساختار اقتصادی- اجتماعی آن و سهم اثرگذار اقتصاد سیاسی بر اقتصاد شهری نیز تابع همین قاعده است. منتها از این جهت، که شهر و شهرنشینی این عصر، ماحصل دوران گذار شهرنشینی ایرانی به شهرنشینی ایرانی- اسلامی را در خود دارد و مهم تر مناسبات سه گروه عمده اجتماعی - اقتصادی، یعنی شهرنشینان با خرده نظام تولید کالایی؛ روستائینان با خرده نظام تولید کشاورزی و احیاناً تولید کالایی و کوچ نشینان با خرده نظام تولید دامی؛ از بسامانی بیشتری برخوردار می‌شود، پرداختن به میراث تاریخی شهر و شهرنشینی این عهد، اهمیت بیشتری دارد. همین وجه اهمیت است که کتاب «جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» را جایگاه ممتازی بخشیده و بهانه لازم را برای قلمی کردن نوشتار حاضر در حکم تأکید دوباره ای بر ضرورت انجام پژوهش هایی از این دست فراهم آورده است. نکته قابل ذکر در خصوص نوشتار حاضر این است که مطالب مطروحه با هدف نشان دادن اهمیت کتاب مذکور و تقدیر از زحمات مولف محترم مطرح شده و نقطه نظرات سلبی به انگیزه پردازش بهتر مطالب در چاپ های بعدی کتاب طرح گردیده است.

۲. معرفی کتاب

«جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» عنوان کتابی از دکتر شهرام یوسفی فر است که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برای نخستین بار در سال ۱۳۹۰ هـ ش منتشر کرده است. مطالب کتاب با حجم ۴۳۰ صفحه در یک مقدمه، دو بخش و پنج فصل اصلی تنظیم شده و در آخر فهرست منابع و مأخذ و فهرست های اعلام آمده است. رهیافت روش شناسانه مولف نسبت به موضوع پژوهش در مقدمه چهل صفحه ای کتاب آمده است که خود در ذیل مفهوم پیش گفتار گنجانده شده است. پیش گفتار مذکور مشتمل بر «مقدمه»، «جامعه شهری دوره سلجوقی»، «سرچشمه های آگاهی» و تشریح این سرچشمه ها و همانا معرفی منابع تحقیق و

پژوهش های مربوطه است. بخش اول کتاب با عنوان: «الگوشناسی شهر ایرانی در دوره سلجوقی» مشتمل بر سه فصل با عناوین: ۱- پیشینه شناسی و تحلیل الگوی شهر ایرانی- اسلامی ۲- شهر سلجوقی: تکامل، شکل یابی و هویت یابی ۳- شکل شناسی شهر دوره سلجوقی، است. فصل اول این بخش در قالب دو مبحث کلی: الف- الگوی شهر و شهرنشینی دوره باستانی ایران ب- گذار الگوی شهر باستانی به الگوی شهر دوره اسلامی؛ سیر تحول شهرنشینی از دوره مادها تا ورود اسلام به ایران و سپس شهر در ایران دوره اسلامی تا پایان عهد سلاجقه را بررسی می نماید. فصل دوم بخش اول با عنوان: «شهر سلجوقی: تکامل؛ شکل یابی و هویت یابی» در دو مبحث: الف- تأملی در انگاره شهر ب- شهر در دوره سلجوقی؛ ماهیت ساختاری و کالبدی شهر در دوره سلجوقی با اهتمام به ویژگی های شهر، کالبد و مفهوم شهر، سلسله مراتب حیات شهری، کارکردهای شهر و سازمان درونی آن را مورد بررسی قرار می دهد. فصل سوم بخش اول: «شکل شناسی شهر دوره سلجوقی»، پس از بیان کلیاتی درباره شهر و شهرنشینی و شرح ویژگی های دوره گذار شهر و شهرنشینی به دوره سلجوقی در سه مبحث کلی: الف- شکل شهر ب- شکل شناسی شهر ج- شکوفایی مناسبات شهری را بررسی می نماید. بخش دوم کتاب، عنوان: «مناسبات اقتصادی- اجتماعی شهرهای دوره سلجوقی» دارد. این بخش مشتمل بر دو فصل است. فصل اول با عنوان: «وضعیت تولید کالایی»؛ در هشت مبحث که برخی از مباحث نیز زیر مبحث هایی در خود دارند؛ الگوی تولید در شهرها، وضعیت تقسیم اجتماعی و فنی کار، مراحل تولید کالا، روابط متقابل بخش تولید و مبادله، تشکیلات حرفه ای پیشه وری، رشته های تولیدی، مکان یابی پیشه وران در شهرها، تولید کالایی و ساختارهای حاکم؛ را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد. فصل دوم این بخش، «وضعیت مبادله و توزیع در شهرها» را در هفت مبحث: فضا و کالبد بازار؛ گروه بندی فعالان بازار؛ مناسبات بازار؛ اشکال مناسبات پولی و مالی در بازار؛ تجار؛ بازار و حکومت؛ مالکیت در بازار؛ نهادهای بازار، مورد بررسی قرار می دهد.

مقدمه کتاب که بدون ذکر هیچ توضیحی در ذیل پیشگفتار آمده است و مباحث روشی و معرفت شناسی مولف را در خود دارد در ۴۰ صفحه؛ مطالب فصول سه گانه بخش اول در ۱۵۶ صفحه (فصل اول: ۵۶ صفحه؛ فصل دوم: ۴۹ صفحه و فصل سوم: ۴۹ صفحه) و مطالب فصول دوگانه بخش دوم در ۱۵۷ صفحه (فصل اول:

۱۰۸ صفحه، فصل دوم: ۴۸ صفحه) توزیع شده است. فهرست منابع و مآخذ در ۴۵ صفحه و فهرست های اعلام در ۳۰ صفحه آمده است.

۳. اهمیت موضوع و جایگاه کتاب

شهر از جمله کهن ترین و مهم ترین دستاوردهای حیات بشری است که سهم به سزایی در سیر تحول تمدن انسانی و مسیر تکاملی آن داشته است. شهرها حاصل مناسبات متقابل انسان و محیط، تبادل تجارب و نهادینگی مهارت های انسانی، تخصصی شدن وجوه اقتصادی حیات بشری و تنوع فعالیت های اقتصادی انسان و سازمان یافتگی اقتصاد و جامعه و حکومت در ارتباط متقابل با یکدیگر بوده اند. در پی پیدایش شهرها و تکوین حیات شهری، مفاهیم شهر و انسان متمدن با یکدیگر عجین شده و شهرنشینی نقش تعیین کننده ای در روند تکاملی مدنیت جمعی انسانها داشته است (رضوی، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۸). به ویژه در سرزمین ایران که از تمدنی کهن برخوردار است و شهر و شهرنشینی با تمدن ایرانی و دستاوردهای مدنی مردمی در تقارن است؛ شهرها با ماهیت تاریخی و ساختاری و البته کارکردهای خاص خویش، جایگاه مهمی داشته اند و مفاهیم شهر و ایرانشهر به گونه ای درهم آمیخته اند که اندیشه های ایرانشهری به عنوان سند مشترک پندار و کردار ایرانیان و تعیین هویت ایرانی با مفهوم شهر و شهرنشینی عجین شده است. شهر ایرانی از دوران باستان، جایگاه و کارکرد مهمی در ساختار حیات جمعی ایرانیان داشته و در سراسر دوران اسلامی به اقتضای شرایط، شأن و ماهیت خاص خود را حفظ کرده است (ر.ک: اشرف، ۱۳۵۳: ۱۰-۱۸؛ فلامکی، ۱۳۶۶: ۵-۶؛ تقوی نژاد دیلمی، ۱۳۶۶: ۱۵-۱۸).

با این وصف، فهم نظام مند تاریخ ایران در عهود مختلف و خاصه دوران اسلامی نیازمند فهم شهر و ساختار حیات شهری در این دوران است. با این همه، مطالعه و پژوهش تاریخی در عرصه شهر و شهرنشینی، با تمام اهمیتی که از آن برخوردار است، عزمی راسخ و همتی والا را می طلبد. چرا که تاریخ نگاری سنتی بر حسب ماهیت و ساختار خاص خود داده های پژوهشی اندکی را در حوزه شهر و شهرنشینی در اختیار تاریخ شناس علاقمند به حوزه شهر و شهرشناسی قرار می دهد (رضوی، ۱۳۹۰: ۱۴). تاریخ شناس ماجراجوی علاقمند به این عرصه باید رنج مطالعه و اشراف بر حوزه های مختلف علوم انسانی و اجتماعی را بر خود هموار کند تا

با زمینه های ذهنی آماده و انگاره های اندیشه ای لازم به سراغ شهر و شهرنشینی در دوره مورد نظر برود. مهم تر، در عرصه گزینش و جمع آوری داده های پژوهشی، در راستای فهم نظام مند موضوع در افق گفتمانی عهد مورد نظر و آنچه که با مفهوم بازنمایی و احیای شرایط گفتمانی گذشته (مورد نظر) از آن یاد می شود، باید خیل عظیمی از منابع تاریخی و تاریخ نگاری را جستجو کند و با دقت و ظرافت و دغدغه خاطر با موضوع پژوهشی خود برخورد کند.

«جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» نیز از همین منظر، جایگاه و اهمیت خود را نشان می دهد. هرگونه قضاوت سلبی یا ایجابی که نسبت به کتاب مذکور داشته باشیم، نکته مهم این است که مولف آن قدم در وادی پرمشکلی نهاده که فائق آمدن بر آن تلاش دوچندانی می طلبد که تنها از سوی تاریخ شناسان علاقمند به تاریخ ایران در دوران میانه قابل درک است. سیالیت علم تاریخ و انعطاف برداشت های تاریخی در گرو بینش و نگرش تاریخ شناسان است و رویکرد تفسیری آنهاست که فهم نظامند تاریخی را در راستای پاسخگویی به شرایط و مسائل مبتلابه کنونی به روز می کند. از این حیث، تاریخ نگری و افق دید تاریخ شناس و به اصطلاح رهیافت سوژه محورانه اوست که پژوهش های تاریخی را جهت می دهد و الگوهای پژوهشی نوظهور می آفرینند. بی تردید سلسله تلاش های مولف محترم کتاب مورد بحث نیز از این جهت موفق بوده و قابل ستایش فراوان است. به ویژه اینکه، بیشتر پژوهش هایی که در حوزه شهر و شهرنشینی صورت گرفته نه از جانب اصحاب تاریخ و با چارچوب روشمند تاریخی بلکه اغلب از سوی متخصصان رشته های دیگری از جمله معماری و شهرسازی، جغرافیا و جامعه شناسی انجام شده و ورود تاریخ شناسان در این عرصه ها حرکتی تازه است (برای نمونه ر.ک: وبر، ۱۳۷۵؛ خیرآبادی، ۱۳۷۸؛ سلطان زاده، ۱۳۶۷؛ کیانی، ۱۳۶۶؛ مجیدزاده، ۱۳۶۸)؛ تلاش محققانی که در این عرصه خطیر قدم می گذارند و از جهت نو بودن موضوع و حوزه پژوهشی، نقد سلبی (احتمالی) همگان را به جان می خرنند ستودنی تر می نماید و ارج نهادن بیشتری را طلب می کند. نکته قابل ذکر دیگر در همین جهت به مشکلات پژوهشگر تاریخ علاقمند به دوران میانه تاریخ ایران مربوط می شود. با تمام دستاوردهای نوشتاری تاریخی و تاریخ نگاری جامعه ایرانی و فراتر از آن جوامع اسلامی که می توان از آنها بهره تاریخ نگارانه برد؛ همین طور سایر منابع و آثار برجای مانده یاریگر در عرصه

تاریخ‌نگاری، باز هم محقق علاقمند به تاریخ ایران دوران میانه با فقر اطلاعاتی فراوانی رودر روست. در مقایسه با دوره های متاخرتر تاریخ ایران، یعنی اعصار پس از قدرت‌گیری صفویان تا آخر عهد قاجار که برحسب مقتضیات نوظهور و بخصوص به سبب مناسبات با عثمانی و هند و خاصه دنیای غرب، اسناد و مدارک بیشتری برای شناخت وجوه مختلف تاریخی جامعه ایرانی بر جای مانده است؛ اگر بخواهیم به دوره های پیشاصفوی بپردازیم اسناد و مدارک کمتری در اختیار ماست و یا اندک منابع موجود داده های پژوهشی کم بضاعت تری را در حوزه شهر و شهرنشینی پیش روی تاریخ‌شناس قرار می‌دهند. بی تردید یوسفی فر نیز با این مشکل جدی مواجه بوده و وقت بی شماری را مصروف واکاوی منابع مختلف و حصول اندک داده های پژوهشی در اثر خویش کرده است. شمول منابع و مآخذ بی شماری که در پانویس صفحات کتاب به عنوان شاهد مثال اندک داده های واکاوی شده ایشان آمده است موید همین مقوله است. هر قضاوتی که نسبت به این دستاورد پژوهشی یوسفی فر داشته باشیم، حداقل سه ویژگی ذیل، اثر پژوهشی وی را شایسته تقدیر و قابل ستایش می‌نماید:

الف- انتخاب موضوع پژوهشی جدیدی که موجبات الگوبرداری سایر علاقمندان به تاریخ ایران در دوره میانه در خود دارد. هرچند انجام چنین پژوهش‌هایی از سوی متخصصان غیر تاریخی مسبوق به سابقه است اما در عرصه پژوهشی تاریخ نوظهور و جدید است.

ب- کار بست رویکرد بین رشته ای در مطالعه تاریخ در حکم ضرورتی که پژوهش‌های تاریخی را کاربردی تر می‌کند و کارآمدی دانش تاریخ‌شناسان را اثبات می‌نماید. این مهم، هم در فهم نظام مند بلکه نظام مندتر تاریخ مفید واقع می‌شود و هم در ارتقاء جایگاه علمی و شئون معرفتی تاریخ موثر است.

ج- بهره‌گیری از منابع بی شمار تاریخی و تاریخ‌نگاری چه در حوزه استفاده از منابع دست اول و دست دوم و چه منابع پژوهشی. این ویژگی یکی از برجستگی‌های قابل تأمل اثر حاضر است که با علاقه و حوصله فراوان به انجام رسیده است.

۴. نقد شکلی کتاب

مطالب و مباحث مورد نظر مولف در کتاب «جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» با حجم تقریبی ۴۴۰ صفحه به نسبت خوب توزیع و تنظیم شده

است. صرف نظر از فصل دوم بخش دوم که در مقایسه با فصل اول همین بخش از کمیت و حجم کمتری برخوردار است، سایر مباحث کتاب به لحاظ انسجام و انتظام کمی از وضعیت مناسبی برخوردار است. کتاب متشکل بر دو بخش کلی با تقسیم بندی های منسجم است اما به نظر می رسد مطالب ۵۰ صفحه ای قبل از بخش اول از جایگاه چندان مشخصی در این توزیع و ترکیب برخوردار نیست. مولف محترم بدون ذکر هیچ توضیحی، این مطالب ۵۰ صفحه ای (مقدمه، جامعه شهری دوره سلجوقی، سرچشمه های آگاهی: منابع، پژوهش ها) را در ذیل پیشگفتار آورده است. این در حالی است که در بالای صفحات این مبحث از کتاب به جای پیشگفتار، عنوان مقدمه آمده است. اگر این مطالب ذیل پیشگفتار است باید به جای مفهوم مقدمه، مفهوم پیشگفتار که مولف آن را عام گرفته است قرار می گرفت. مهم تر این سوال به ذهن می رسد که مولف محترم بر چه مبنای روش شناختی مفهوم پیشگفتار را بدون اینکه هیچ توضیحی درباره آن بدهد در مقایسه با مقدمه عام گرفته و تنها به ذکر لفظ، آن هم در یک صفحه مستقل بسنده کرده است. هنگامی که مخاطب در فهرست مطالب کتاب با مفهوم پیشگفتار و بلافاصله پس از آن مقدمه مواجه می شود این تصور در ذهن وی پدید می آید که مولف آنها را جدای از هم پنداشته و مطالب جداگانه ای درباره آنها آورده است اما در متن کتاب این چنین نیست. اگر پیشگفتار را مفهومی در نظر بگیریم که در ذیل آن مطالبی بیان می شود که ذهن مخاطب را نسبت به موضوع آماده کرده و آن را جهت می دهد و مقدمه را مفهومی در نظر داشته باشیم که مولف کتاب یا رساله ضمن بیان علل پرداختن به موضوع و اشاره به وجوه اهمیت آن به سختی های پژوهش اشاره می کند و دیدگاهها و نقطه نظرانی را که جای دیگری برای طرح آنها وجود نداشته است مطرح می کند؛ این سوال مطرح می شود که میان پیشگفتار و مقدمه در نگاه مولف محترم کتاب «جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» چه نسبتی وجود داشته است؟ اگر آنها را متمایز می دانسته چرا فقط به لفظ پیشگفتار اکتفا کرده است؟ اگر پیشگفتار را عام بر مطالب ۵۰ صفحه ای قبل از بخش اول در نظر گرفته چرا در بالای صفحات (صفحات سمت چپ کتاب) مفهوم مقدمه به کار برده است؟ در همین جهت مباحث چهارگانه ای (جامعه شهری دوره سلجوقی، سرچشمه های آگاهی: منابع، پژوهش ها) که از صفحه ۱۲ کتاب آغاز شده و تا صفحه ۴۹ بسط یافته است را چرا ذیل مقدمه آورده است؟ هنگامی که به متن اصلی کتاب رجوع می کنیم دقت و وسواس

مؤلف در تنظیم و توزیع مطالب و ربط مفهومی عناوین و زیر عنوان ها مواجه می‌شویم اما مطالب ۵۰ صفحه ای نخستین کتاب این ویژگی را ندارد. به عنوان مثال اگر مؤلف محترم برای این صفحات آغازین یکی از عناوین «کلیات تحقیق»؛ «مقدمه و کلیات طرح تحقیق»؛ روش شناسی تحقیق» و ... را به کار می‌گرفت و حتی یک فصل نیز بدان می‌داد و در مقدمه نیز به توضیح این گزینش می‌پرداخت شکل و انسجام کمی و بلکه کیفی این مطالب آغازین بهتر می‌شد. بدون تردید مؤلفی که زحمت طاقت فرسایی را در جمع آوری داده ها و پردازش و تحلیل آنها در چنین کتاب تخصصی به جان خریده برای این مورد توضیحاتی دارد اما به نظر می‌رسد با توجه به ضرورت به کارگیری روش و مهمتر تبیین چارچوب روشی در انجام پژوهش های تخصصی، اگر یکی از عناوین فوق برای مطالب نخستین کتاب به کار برده می‌شد متن منسجم و جهت دارتری پیش روی مخاطب متخصص قرار می‌گرفت. در آن صورت این فرصت نیز فراهم می‌گردید تا مؤلف محترم در پی مقدمه، تبیین مساله، ضرورت تحقیق و مهم تر پیشینه تحقیق را بیان نماید و سپس به نقد و بررسی منابعی بپردازد که خود با عنوان سزچشمه های آگاهی از آن یاد کرده است. مغفول نگذاریم که مؤلف در مبحث «مقدمه» و «جامعه شهری دوره سلجوقی» به طرح مساله پرداخته است اما روی اصلی سخن این است که اگر طرح مساله جدای از مقدمه می‌آمد و ادبیات و ضرورت تحقیق نیز در ادامه مطرح می‌شد حاصل کار نظم روشی بیشتری به خود می‌گرفت. توضیح مؤلف در خصوص عنوان کتاب و مفاهیم به کار رفته در آن نیز مطلبی است که جای خالی آن احساس می‌شود. نظر به نو بودن عرصه های پژوهشی از این سنخ در میان اصحاب تاریخ، تبیین مفاهیم تحقیق و به ویژه آنچه که در عنوان کتاب به کار رفته است ضروری تر می‌نماید. به خصوص اینکه، برخلاف بسیاری از رشته های دیگر علوم انسانی، در میان اهل تاریخ درباره بسیاری از واژه ها و مفاهیم اجماعی وجود ندارد، تشریح مفاهیمی چون «شهر»، «شهرنشینی» و خاصه «مناسبات شهر» و یا «مناسبات شهرنشینان» به مخاطب کمک می‌کند که آگاه شود مؤلف چه سنخ مناسباتی را درباره شهر و شهرنشینی بررسی و تحلیل می‌نماید. اهتمام به ماهیت بین رشته ای پژوهش هایی از این دست نیز ضرورت مفهوم پردازی عناوین پژوهش را محرزتر می‌کند.

گستره منابع و مآخذ مورد استفاده مولف و غور و دقت فراوان در ارائه شواهد متعدد و موثر از منابع و تحقیقات که اغلب هم در پانویس ها نمود یافته است یکی از ویژگی های ممتاز و آموزنده کتاب است که به قدری گسترده است که در برخی مواقع بر متن می چربد. بنیان علم تاریخ بر اسناد و مدارک است و درک تبیینی تاریخ مستلزم رجوع و اشراف بر منابع است (رضوی، ۱۳۸۶: ۸۵؛ رضوی ۱۳۸۵: ۴۸). طبیعی است که بهره گیری از منابع بیشتر در حکم هموار شدن زمینه های تبیین بهتر و واقعی تر موضوع است که مولف کتاب به خوبی از عهده آن برآمده است. اغلاط تاپیی و برخی مشکلات ویرایشی نیز در متن و پانویس های کتاب مشاهده می شود که رفع آنها ضروری نشان می دهد. (۱) نکته آخر در بحث نقد شکلی کتاب این است که اگر مولف کتاب در پایان هر فصل یا بخش یک جمع بندی ارائه می داد و یا حداقل در آخر کتاب به نتیجه گیری یا جمع بندی مطالب می پرداخت به ارزش کتاب می افزود.

۵. نقد محتوایی کتاب

نقد و تحلیل محتوایی کتاب را با این سوال آغاز می کنیم که با تمامی اهمیت شهر و جایگاه آن در روند صیوررت حیات اجتماعی بشر، مولف محترم کدام وجه از حیات شهری را در عهد سلجوقیان مورد مطالعه قرار داده است؟ یوسفی فر ضمن بیان اینکه «جهت دهی، تعمیق برداشت و ارزیابی مناسبات قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسلط...» بر جامعه ایرانی دوران میانه مستلزم فهم پدیده شهر است، ضرورت پرداختن به شهر و شهرنشینی دوران سلجوقی را مطرح می کند. ایشان شهر دوره سلجوقی را باز نمود سنن شهری ایرانی - اسلامی می داند و رونق شهری این عهد را حاصل زمینه های مثبتی که در قرون سوم تا پنجم هـ ق فراهم آمده و در پرتو گستره قدرت سلاجقه و تکوین نسبی سه خرده نظام اقتصادی - اجتماعی تولید ارضی، تولید شهری و کوچرویی، رو به رشد نهاده معرفی نموده و سهم دستگاه سیاسی و دیوانسالاری را در تنظیم مناسبات میان این سه خرده نظام و بسامانی حیات شهری مهم شمرده اند. در ادامه این مطالب که در ذیل مقدمه آمده است به حیات اقتصادی و متغیرهای تأثیرگذار در سیر تحول اقتصاد شهری در عهد سلجوقی در ذیل «جامعه شهری دوره سلجوقی» پرداخته و تجزیه و تحلیل مناسبات اقتصادی - اجتماعی مسلط بر شهرهای این عهد را امری ضروری شمرده است. در این مبحث، مولف با رویکرد اقتصادی و بیان علل رشد

تجارت و اقتصاد شهری در عهد سلجوقی، ضرورت آسیب شناسی ساختار و کارکرد های حیات شهری را مطرح می‌کند و پرداختن به مواردی همچون «علل تحقق ناپذیری وضعیت گذار» یا «دیرپایی ساختارهایی ثابت و متصلب» در جامعه ایرانی و همین طور فهم «روابط گروه های مولد با لایه های حاکم و نهاد حکومت»، «مناسبات اجتماعی حاکم بر سیر تولید» و «زمینه های شناخت لایه بندی درون شهرها»، «فقدان نهادهای اقتصادی - اجتماعی متناظر بر فعالیت اقتصادی شهری»، «درک علل تاریخی ضعف تولید در جامعه ایرانی» و «رابطه جامعه شهری با دیگر اشکال تولیدی جامعه» را از منظر اقتصادی ضروری می‌شمارد. در ادامه نیز ماهیت و محتوای مباحث به گونه ای است که همین وجه اقتصادی حیات شهری را برجسته می‌نماید و مناسبات مورد نظر در حیات شهری را از نظرگاه معیشتی طرح و تحلیل می‌کند. مباحث مطرح در بخش ها و فصول کتاب هم بر همین اساس پردازش شده و مبنایی اقتصادی دارند.

اگر این برداشت صحیح باشد، سوال جدایی که به ذهن می‌رسد این است که آیا بهتر نبود مولف محترم عنوان کتاب را «جستارهایی در مناسبات اقتصادی شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» می‌گذاشت تا با محتوای کتاب همخوانی بیشتری پیدا کند. برجسته کردن مفهوم «اقتصاد شهری» در عنوان کتاب با برداشت مولف که جای جای این مفهوم را به کار می‌برد نیز همخوانی بیشتری پیدا می‌نمود. به گونه ای که اولین جمله فصل اول بخش اول کتاب بر همین مفهوم تمرکز دارد. مولف خود چنین می‌نویسد: «برای ورود به بحث شهر و اقتصاد شهری دوره سلجوقیان، باید دو مقدمه ضروری را مطرح کرد: اول؛ اشاره ای کلی به وضعیت شهرنشینی و اقتصاد شهری در دوره باستانی ایران و دیگر...» (یوسفی فر، ۱۳۹۰: ۵۳). در سراسر کتاب نیز چنین مفهومی پرکاربرد است و از تمرکز مولف بر ساختار اقتصادی حیات شهری در تاریخ ایران حکایت می‌کند. با تمام اهمیت کارکردهای اقتصادی شهرها در ایران و هرگونه دگرگونی که در ماهیت و ساختار چنین کارکردهایی رخ داده است، نکته مهم این است که کارکردهای حیات شهری فراتر از حیات اقتصادی صرف است و لذا در فهم مناسبات شهر و شهرنشینی به طور عام و بدون هیچ تأکید مشخصی نمی‌توان صرفاً بر اقتصاد شهری تکیه کرد و قشربندی اجتماعی و مناسبات اجتماعی را صرفاً برپایه روابط اجتماعی تولید و یا روابط گروههای مولد با لایه های حاکم و نهاد حکومت بررسی و تحلیل نمود(همان: ۱۵). البته مولف کتاب جسته گریخته به برخی مواردی که به

مناسبات اجتماعی و فرهنگی شهر و شهرنشینی مربوط می‌شود نیز پرداخته است (برای نمونه همان: ۶۶-۶۸) اما از آن جهت که اقتصاد شهری را عام گرفته و جایگاه آن را از حیث چگونگی ارتباط با اقتصاد سیاسی در نظر داشته است کمتر مجال طرح و تعمیق سایر وجوه حیات شهری را پیدا کرده است.

البته گستره مطالبی که در ذیل سه اصطلاح «شهر»، «شهرنشینی» و «مناسبات شهر و شهرنشینی» و به ویژه سیر تحول این سه مقوله در طی تاریخ گسترده ایران از دوران باستان تا پایان عهد سلجوقیان در دوره اسلامی قابل طرح و پژوهش است و هر یک می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد در پیدایش تصور فوق سهم اساسی دارد. شهر و شهرنشینی هنگامی که بخواهد در دوره خاصی مورد مطالعه واقع شود می‌تواند از منظر جامعه‌شناسی ایستا بررسی شود و وجوه مختلف حیات آن اعم از وجوه ساختاری یا کارکردی، متناسب با گفتمان موجود و شرایط به نسبت ثابت آن عهد مورد مطالعه قرار بگیرد. این در حالی است که اگر شهر و شهرنشینی به عنوان یک مقوله سیال و در حال شدن در طی ادوار مختلف بررسی شود و سیر تحول و مناسبات مربوط بدان، مورد نظر باشد ضروری است که با رویکرد دینامیک بدان پرداخته شود و وجوه مختلف آن مورد مطالعه قرار گیرد. یوسفی فر به اذعان خویش (همان: ۵۳) طریق دوم (مطالعه وضعیت شهر و شهرنشینی در ایران از دوره ماد تا دوره سلجوقی) را اختیار کرده است و این در حالی است که عنوانی که برای کتاب خویش برگزیده است با روش اول مطابقت دارد. در همین جهت می‌توان، مطالب صفحات ۵۴ تا ۱۰۶ که در فصل اول بخش اول با عنوان «پیشینه شناسی و تحلیل الگوی شهر ایرانی - اسلامی» آمده است و برخی مطالب دیگری که در دیگر فصول آمده و به طور مشخص به عهد سلجوقیان مربوط نمی‌شود را برپایه رویکرد نخست کنار گذاشت به گونه‌ای که به بحث اصلی کتاب نیز آسیبی وارد نشود.

نکته قابل تأملی که مولف نیز بدان اشاره می‌کند و بر اهل تحقیق و بخصوص علاقمندان متخصص به تاریخ ایران دوران میانه پوشیده نیست فقر شدید اطلاعات و داده‌هایی است که بتوان از آن در جهت فهم مطمئن و موثر تاریخ این دوران بهره جست. گفتمان‌های حاکم بر تاریخنگاری دوران سستی و روح غالب حاکم بر جامعه ایرانی که مانع از تکوین منابع تاریخی و تاریخ‌نگاری موثری می‌شده است، به علاوه موقعیت اقلیمی و طبیعی ایران، نوع و شکل معماری و موارد و مصالح به کار رفته در

بناها و ساختمان‌ها، تاخت و تازهای همیشگی اقوام کوچ رو که با تخریب بلاد و مراکز مدنی همراه بوده است، تغییر مدام پایتخت‌ها و نابودی آثار و بقایای به جامانده از حکومت قبلی و مسائلی از این قبیل، تمامی در این فقر اطلاعاتی تأثیرگذار است. این فقدان یا کمبود داده‌های پژوهشی به ویژه پس از اینکه منابع مختلف تاریخی مورد بررسی قرار گیرد هر محقق را با افسوس بلکه نگرانی مواجه می‌کند و او را مجبور می‌سازد که با همان اندک شواهد دست اول مربوط به عهد مورد مطالعه و یا شواهد دیگر مربوط به عهد قبلی و بعدی بنای علمی موضوع و چیدمان پژوهشی خود را مستقر سازد. به نظر می‌رسد مولف «جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» نیز با این مشکل مواجه بوده و لذا در بسیاری موارد به جای اینکه به طور مشخص بر دوره سلجوقیان متمرکز شود مباحث مطروحه را با محوریت شهر ایرانی دوران میانه جهت دهی و تنظیم نموده است. حتی در مواردی که به طور مشخص بحث با عنوان عهد سلجوقی شروع می‌شود این ویژگی برجسته است و دوره میانی تاریخ ایران عهد سلجوقی را در راستای تبیین و تحلیل مباحث پوشش اطلاعاتی می‌دهد. بخش عمده مطالب فصل دوم بخش اول و بخش دوم کتاب با همین ویژگی تنظیم و تنسيق شده است. به گونه‌ای که در صفحه ۱۱۲ در ذیل عنوان «شهر در دوره سلجوقی» آمده است: «در این بخش ضمن اشاره به برخی جوانب بحث به بررسی ویژگی‌های عناصر اصلی زندگی شهری ایران در سده‌های میانه پرداخته می‌شود تا بر اساس آن بتوان به تعریف شهر در سده‌های میانه ایران دست یافت». مهم‌ترین ویژگی‌های شهر و کالبد شهر در صفحات ۱۱۶ تا ۱۲۰ هم بر اساس محوریت دوره میانه مطرح شده است و دیگر مباحث فصل دوم و سوم بخش اول نیز بر همین اساس طرح و بررسی شده‌اند و تنها به اشتراک وضعیت شهرهای سلجوقی با وضع کلی ترسیم شده با عنوان دوره میانه بسنده شده است. صرف نظر از نقیصه فوق که قبل از اینکه به رهیافت روشی - معرفتی مولف محترم مربوط شود به ملاحظات تاریخی و تاریخ‌نگاری تاریخ ایران بلکه جهان اسلام در قرون مورد نظر مربوط می‌شود؛ مطالب مربوط به بخش دوم کتاب که «مناسبات اقتصادی - اجتماعی شهرهای دوره سلجوقی» را بررسی می‌کند از دو حیث تبیینی و تفسیری جالب و در خور ستایش است. مولف کتاب با غور در منابع مختلف و ترسیم سیما و ساختار شهر و شهرنشینی در دوره میانه بازنمایی قابل‌تحسینی از تاریخ ایران این عهد ارائه می‌کند و با رهیافت بین‌رشته‌ای و نگرش ساختاری،

بازنگری و تفسیرهای خوبی را در این خصوص عرضه می‌نماید. اگر حیث تبیینی موضوع را تلاش در راستای عرضه فهمی نظام مند به گونه ای که با چارچوب گفتمانی و برداشت های مورخان و دیگر اندیشمندان معاصر و یا نزدیک به عصر مورد نظر همخوانی داشته باشد در نظر بگیریم و حیث تفسیری را ارائه فهمی نظام مندتر درباره موضوع به گونه ای که با شرایط گفتمانی عصر کنونی و فضای معرفتی رایج در میان تاریخ شناسان متخصص همخوانی داشته باشد قلمداد کنیم، یوسفی فر در هر دو عرصه موفق بوده و این موفقیت را در بخش دوم کتاب بیشتر نشان داده است. به ویژه توضیحات قابل تأمل و بعضاً مفصلی که در پانویس های پرشمول کتاب آمده، قابل استفاده فراوان است و در کنار منبع شناسی موضوع و به اصطلاح «سورسولوژی» درخور ستایش بحث، از وجوه مثبت اثر به شمار می‌آید.

۶. نتیجه گیری

جایگاه مهم و قابل اعتنای شهر در سیر تمدن بشری و اهمیت شهر در سیر تحول ساختار اجتماعی و اقتصادی در تاریخ ایران موجب می‌شود که هرگونه پژوهش انجام شده‌ای در حوزه شهر و شهرنشینی از حیث نظرگاه و افق دیدی که پیش روی تاریخ شناسان قرار می‌دهد از اهمیت به سزایی برخوردار باشد. کتاب «جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان» نیز از همین حیث جایگاه خود را پیدا می‌کند. به ویژه اینکه در عهد حکومتگری سلاجقه، زمینه های تثبیت و نهادینگی ساختار حیات شهری در ایران به گونه‌ای فراهم می‌شود که میراث باستانی و اسلامی و ماحصل فرهنگی و تمدنی ایرانیان در قرون آغازین اسلامی در هم می‌آمیزد و ساختار اقتصادی - اجتماعی قابل اعتنایی به خود می‌گیرد، اهمیت کتاب مذکور بیشتر نمایان می‌شود. مولف محترم کتاب تلاش مضاعفی در جهت تبیین و تفسیر ساختار شهر و شهرنشینی دوران میانه در جهت فهم بهتر مناسبات شهری ایران در دوره سلجوقی به کار گرفته و سه ویژگی: تحدید موضوعی پژوهش و تمرکز بر روی موضوعی مساله محور و جدید در امر تحقیق؛ کار بست رهیافت بین رشته ای در جمع آوری داده ها و تبیین و تفسیر شرایط تاریخی مرتبط با موضوع و مهم تر بهره گیری از بی شمار منابع تاریخی و تاریخ نگاری، اثر پژوهشی وی را از جایگاه شایسته ای برخوردار کرده است.

پی‌نوشت

۱. پانویس شماره ۱ص ۱۹، ص ۲۱، پانویس شماره ۹ص ۳۳، ص ۶۲، ص ۶۶، ص ۶۹، ص ۷۰، ص ۷۱، ص ۷۲، پانویس شماره ۳ص ۸۰، ص ۹۱، ص ۹۴، ص ۱۰۱، ص ۱۳۰، پانویس شماره ۱ص ۱۴۹، ص ۲۰۶، ص ۲۱۱، ص ۲۱۶، ص ۲۲۸، ص ۲۴۱، ص ۲۴۵، ص ۲۶۲، ص ۲۹۲، ص ۳۰۹، ص ۳۲۰، ص ۳۲۸، از جمله مواردی است که نیازمند ویراستاری و اصلاح اغلاط تایپی است.

منابع

- اشرف، احمد (۱۳۵۳). «ویژگی های تاریخی شهر نشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۱، ش ۴.
- تقوی نژاد دیلمی، محمد رضا (۱۳۶۶). *معماری، شهرسازی و شهرنشینی ایران در گذر زمان*. تهران: انتشارات یساولی.
- خیرآبادی، مسعود (۱۳۷۸). *شهرهای ایران*، ترجمه حسین حاتمی نژاد- عزت الله مافی، مشهد، نشر نیکا.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۵). «نقد منبع در تاریخ»، *نامه تاریخ پژوهان*، ویژه نامه فلسفه تاریخ، سال دوم، شماره ششم.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۶). «داده های حاصل از مصاحبه، تاریخ یا تاریخ نگاری»، در: *مصاحبه در تاریخ شفاهی*، مجموعه مقالات چهارمین نشست تخصصی و کارگاه آموزشی تاریخ شفاهی، تهران: انتشارات سوره مهر.
- رضوی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلیخانان*، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۶۷). *مقدمه بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فلامکی، منصور (۱۳۶۶). «شکل گیری شهرهای ایران»، در: *شهرهای ایران*، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۶). *شهرهای ایران*، ج ۲، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۸). *آغاز شهرنشینی در ایران*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- وبر، ماکس (۱۳۷۵). *شهر در گذر زمان*، ترجمه، ترجمه شیوا کاویانی، ج ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- یوسفی فر، شهرام (۱۳۹۰). *جستارهایی درباره مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی